

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ - .

ازدواج الگوها، معیارها و ارزشها / مؤلف. ناصر مکارم شیرازی. - قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۸.

ISBN: 978-964-533-088-8

۸۵ ص.

۱. زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم. الف. عنوان

۲۹۷/۷۲۵

ش ۷ م / ۵ / ۲۵۸ BP

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

ازدواج

الگوها، معیارها و ارزشها

تألیف: حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

صفحه و قطع: ۸۵ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۸۸-۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۳۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

- یک مشکل بزرگ ۷
ارزشهای اسلامی در امر ازدواج ۱۰
ویژگیهای خانواده نمونه ۱۹

بخش اوّل: خواستگاری عجیب / ۲۵

- نخستین گام ۲۷
عقدی که در آسمانها بسته شد! ۳۳
دسته‌های گل بهشتی! ۳۴
هاله حیا! ۳۵

بخش دوم: مهریه / ۳۹

- بحران مهریه ۴۱
مهر «بانوی اسلام» ۴۵

بخش سوم: جهیزیه / ۴۹

- مسأله بغرنج جهیزیه ۵۱
جهیزیه دختر گرامی پیامبر ﷺ ۵۴

بخش چهارم: خطبه عقد / ۶۱

۶۳ مراسم خطبه عقد

بخش پنجم: جشن عروسی / ۷۱

۷۳ مراسم عروسی

۸۳ سرود شادی!

۸۴ بزم شادی کزویان، و نثار عروس!

مشکل

یک مشکل بزرگ

امروز مسأله تشکیل خانواده و ازدواج جوانان به صورت یکی از پیچیده‌ترین مسایل حادث اجتماعی درآمده است، و کمتر خانواده‌ای است که دارای دختر و پسر جوانی باشد و با این موضوع دست به گریبان نباشد.

بسیاری از مشکلات طاقت‌فرسای این مسأله مهم و در عین حال ساده، زندگی را در کام خود فرو برده و به صورت هیولایی و وحشتناک درآورده است.

دختران زیادی در خانه‌ها مانده و در انتظار ازدواجند، و درحالی که هیچ مشکل اساسی ندارند، خود را در برابر انبوهی از مشکلات جانکاه و موانع غیرقابل عبوری مشاهده می‌کنند.

از سویی دیگر نیز، پسران زیادی، سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده، و در زندگی سرگردانند، در حالی که آرزوی تشکیل خانواده را دارند، آداب و رسوم زشت اجتماعی و پیرایه‌های غلطی که به این امر حیاتی بسته‌اند، آنها را از رسیدن به مقصود باز می‌دارد.

و عجیب این است که این مسأله در خانواده‌های مرفه و فقیر از امور پیچیده به حساب می‌آید! چرا که هر کدام کوهی از توقعهای غلط را بر دوش می‌کشند، و زیر آوار سنگینی از آداب و رسوم موهوم دست و پا می‌زنند.

و اسفبارتر اینکه چون پایه‌ها از آغاز کج گذارده می‌شود، بنای بسیاری از خانواده‌ها، تا گنبد دوار کج می‌رود، و چون شالوده محکمی ندارد پیوسته دستخوش نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها می‌شود.

این در حالی است که می‌دانیم «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده‌های کوچک» تشکیل می‌شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.

اگر این آجرها محکم و صاف و با دوام و پرمصلابت باشند این مجموعه عمر طولانی و مفید دارد، و به‌عکس اگر سست

و ناموزون باشد، دائم دستخوش تلاطم و ناهنجاریها است، و به سرعت از هم فرو می‌پاشد و متلاشی می‌شود.

بنابراین، مسألهٔ تشکیل خانواده براساس الگوها و معیارها و ارزشهای صحیح، از یکسو رابطهٔ مستقیم و نزدیکی با حل مشکلات خانوادگی و نابسامانیهای شخصی مردم دارد، و از سوی دیگر نیز پیوند روشنی با حل مشکلات اجتماعی دارد.

به‌همین دلیل برای تحکیم روابط عمومی و اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشهٔ اصلی افتاد، و پایه‌های خانواده را بر شالودهٔ قوی و محکم بنا نمود. جالب این است که در روایات اسلامی تشکیل خانواده به ساختن یک بنا تشبیه شده، آن هم بنایی محبوب نزد خدا؛ چنان‌که در حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ؛^۱

بنایی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.

و نیز قابل توجه اینکه قرآن سرچشمهٔ آرامش و امنیت را تشکیل زندگی صحیح خانوادگی می‌شمرد، در آنجا که می‌فرماید:

۱. وسائل الشیعه؛ جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۳.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱

یکی از آیات و نشانه‌های عظمت خدا این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفرید تا آرامش خویش را در کنار آنها پیدا کنید، و در میان شما محبت و دوستی و رحمت قرار داد، در این نشانه‌های بسیاری است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

ولی متأسفانه بسیاری از عقلا و اندیشمندان نیز به این مرحله که می‌رسند از اندیشه در عوامل اصلی مودت و رحمت باز می‌مانند، و تمام اندیشه‌ها متوجه آداب و رسوم غلط و ارزشهای موهوم و پندارهای خرافی می‌شود!

ارزشهای اسلامی در امر ازدواج

از دلایل عظمت تعلیمات اسلام این است که، این مسأله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی مورد بررسی قرار داده، و برای تشکیل خانواده سالم و خالی از هرگونه کثرتی و ناراستی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار ننموده است و از نخستین گام برای تشکیل خانواده، هدفهای اصلی این کار

و ارزشهای والای حاکم بر آن را مورد توجه قرار داده، و در برابر «ضد ارزشهایی» که گاه از سوی وسواسان خناس به عنوان «ارزش» در تشکیل خانواده قلمداد می‌شود، هشدار داده است.

این تعلیمات گاه به سراغ صفات زنانی که شایسته همسری هستند و باید به هنگام خواستگاری به آن توجه داشت رفته، و چنین می‌گوید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْثَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ الْمَالَ وَالْجَمَالَ؛^۱

هنگامی که مردی، همسری را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند؛ خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی‌گذارد (و از همه چیز محروم می‌شود) و هرگاه همسرش را به خاطر دینتتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می‌دهد.

و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام چنین آمده است:
 شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (و ارزشهای حاکم بر آن) با آن حضرت مشورت کرد،
 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۳۰، حدیث ۱؛ این حدیث با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

اِنْكَحْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ؛^۱

ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان

و دیندار بروی که معیشت تو را افزایش می‌دهد!

و گاه از زنان زیبایی که در خانواده‌ای آلوده و فاقد تربیت

و ایمان پرورش یافته‌اند و بسیاری از مردم به خاطر جمال

آنها از عیب‌هایشان به کلی چشم می‌پوشند تعبیر به سبزه‌ها

(و گل‌هایی) که بر «مزبله» می‌روید فرموده است؛ چنان‌که در

حدیثی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم روزی برخاست و در

میان مردم خطبه خواند (تعبیر به «قَامَ خَطِيبًا» که در روایت

آمده دلیل بر اهمّیت موضوع، و ابتلای قشر وسیعی از مردم

به این مساله است) و فرمود:

اَيُّهَا النَّاسُ اِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ؛

مردم از گیاهان زیبایی که بر مزبله‌ها می‌روید، پرهیز کنید!

شخصی پرسید:

ای رسول خدا!

وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟

گیاهی که به مزبله‌ها می‌روید چیست؟

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

الْمَرْئَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنِّبِ السُّوءِ؛

زین زیبایی است که در خانواده آلوده و بدی پرورش یافته!^۱
این برداشت از ارزشهای حاکم بر انتخاب همسر کجا،
و آنچه امروزه در میان گروهی رایج است که از مسأله مال
و جمال نیز فراتر رفته و به اموال پدر و بستگان او می اندیشند،
کجا یعنی انتظار مرگ آنها را می کشند تا صاحب ثروتی
شوند!

و گاه در برابر موهوماتی که مردم از نظر طبقات اجتماعی
به هنگام ازدواج مطرح می کنند و یک جوان با ایمان و پاکدامن
را به حکم آن که پدرش مثلاً یک کارگر ساده یا کشاورز است،
لایق همسری دختر خود نمی دانند، و حتی مسایل نژادی
و قبیلگی را مقدم بر این فضایل اخلاقی می شمردند، می گوید:
مؤمنان خونهایشان مساوی، و همه در ازدواج با هم
برابرنند!^۲

این در حالی است که حتی بعد از ظهور اسلام و استقرار
آن در بخش عظیمی از جهان، باز گروهی از افراد به ظاهر
مسلمان ازدواج عرب را با غیر عرب نکوهش می کردند
و ازدواج بنی هاشم را با غیر آنها عیب می دانستند!

۱. فروع کافی، جلد ۲، صفحه ۵.

۲. همان، صفحه ۱۰.

لذا پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛^۱

مؤمنان برابر و همانند یکدیگرند (و اختلاف قشرهای اجتماعی نمی تواند آنها را در مسأله ازدواج از هم جدا سازد). ولی مگر می توان این گونه تعلیمات والای اسلامی را در جوامع کنونی، و حتی در میان قشرهای به ظاهر متدین پیاده کرده، و قیدوبندهای موهومی را که برای شایستگی ازدواج دختران و پسران خود با دیگران قایلند، از زندگی آنها حذف نمود!

جالب توجه اینکه در احادیث متعددی، این مضمون از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به چشم می خورد که می فرمایند:

إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ؛^۲

هرگاه کسی که اخلاق و دین او را می پسندید به خواستگاری آید، او را به همسری دخترتان بپذیرید؛ اگر چنین نکنید فتنه عظیم و فساد بزرگی در زمین خواهد افتاد!

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۹، حدیث ۷.

۲. همان، صفحه ۵۱، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

این هشدار، ابعاد خطرناک خرافاتی را که در این زمینه بر مسأله ازدواج حاکم است روشن می‌سازد، و شاید بسیاری از مفسد عظیم که امروز بر جوامع بشری حاکم است، مصداق همان باشد که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این احادیث نسبت به آن هشدار داده‌اند.

اسلام گاه مسایل مهریه و جهیزیّه و هزینه‌های ازدواج را به‌طور کلی مورد توجه قرار داده و با استفاده از دو مفهوم کاملاً آشنا یعنی سعادت و تیره‌روزی، مطالب لازم را در این زمینه بازگو می‌کند.

در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

أَمَّا الْمَرْئَةُ فُشُومُهَا غِلَاءٌ مَهْرُهَا؛^۱

اما شومی و بد قدمی زن آن است که مهرش سنگین باشد!

و در حدیث دیگری آمده:

إِنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْئَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا؛^۲

یکی از برکات همسر، کمی مهر اوست، و از شومی او، زیادی

مهر او!

۱. تهذیب، جلد ۲، صفحه ۲۲۶.

۲. من لایحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

این مسأله همچنان ادامه می‌یابد تا به مسأله انعقاد نطفه فرزندان، و سپس تغذیه مادر در دوران بارداری، و بعد نامگذاری نوزاد، و سپس صفات زنی که به‌عنوان دایه انتخاب می‌شود که روحیات و اخلاق خود را از طریق شیر به کودک منتقل می‌کند، و سرانجام به مسأله معلّم، و وظیفه پدر و مادر در برابر تعلیم و تربیت فرزند خود می‌رسد که هر کدام از این‌ها در تعلیمات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، و دستورات روشن و قاطعی درباره آن در روایات اسلامی دیده می‌شود، و در همه جا روی ارزشهای انسانی تکیه شده، و مسایل تربیتی در سرلوحه برنامه قرار گرفته، و حتی از مسایل به‌ظاهر کوچک غفلت نشده است.

بی‌بندوباری‌های ما در مسایل مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند از یکسو، و دقت نظر اسلام در این مسایل حیاتی از سوی دیگر، ما را به یاد آن مصرع معروف می‌اندازد که: «بین تفاوت ره از کجا است تا به کجا!»

کار به جایی رسیده است که مسأله مراسم ازدواج که معمولاً باید چشمه جوشانی از شادی برای خانواده‌های دو طرف باشد، تبدیل به یک دوران مصیبت‌بار و غم‌انگیز شده؛ چرا که پشت داماد در زیر بار مهرهای سنگین، اعم از نقد و نسیه، و هزینه‌های کمرشکن جشن عقد و عروسی و انواع

تجمّلات و جواهرات، و پشت خانواده عروس در زیر بار سنگین جهیزیه که چیزی جز چشم و هم چشمی و تقلیدهای کورکورانه و موهومات و خیالات، بر آن حاکم نیست، خم می شود و نزدیکان دو طرف گاه تلخ ترین ساعات عمر خود را در این جلسات به اصطلاح شادی یا مقدمات آن می گذرانند!

چه آبروهایی که بر باد نمی رود، چه کدورتها و دشمنی هایی که به وجود نمی آید، و چه مشکلاتی که گاه تا آخر عمر سایه شوم آن بر خانواده ها افتاده است، رخ نمی دهد!

آیا روزی فرا خواهد رسید که واقعیتهای سازنده و مفید از موهومات و خرافات در این مسأله حیاتی جدا شود و ارزشهای کاذب جای خود را به ارزشهای صحیح، بسپارد و ملت مسلمان ما، تعلیمات اسلام را جانشین آداب و رسوم غلط و مصیبت بار کند!

ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر

شخص پیامبر اسلام ﷺ و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

ناصر مکارم شیرازی

۱۳۶۸/۹/۱۰

ویژگیهای خانواده نمونه

این خانواده نمونه با داشتن مشخصات زیر، می تواند از هر جهت تابلو زنده‌ای از تعلیمات حیاتبخش اسلام باشد:

۱. از این نظر که هر دو سویس با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌رسد؛ فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دختر دل‌بند او، و تنها کسی است که نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از سوی او در جهان گسترش یافته، و علی عَلَيْهِ السَّلَام پسر عم و یار دیرین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از نخستین روزهایی که آفتاب پر فروغ اسلام طلوع کرد، تا واپسین دقایق عمر پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

۲. زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در اسلام تولد یافت و علی عَلَيْهِ السَّلَام ده‌ساله بود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند.

۳. تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت

فرزندان، همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و به دستور و فرمان او صورت گرفت.

بنابراین، ازدواج مزبور به تمام معنا اسلامی بود، و تمامی ارزشهای والای اسلام در آن تجلی داشت.

هدف این است که با طرح این مسأله، همراه و همگام با خوانندگان عزیز در مراحل مختلف تشکیل این خانواده نمونه سیر کنیم، و عصاره تعالیم اسلام و مفهوم زندگی صحیح خانوادگی را در آن ببینیم، و بعد وجدان خود را حاکم کنیم و کمی بیندیشیم و ببینیم اسلام اصیل و واقعی کدام است؟ و ما چگونه ایم؟ تربیت اسلامی چه می گوید و تربیت ما مسلمانان امروز چگونه است؟

متأسفانه گروهی از اسلام تنها به یک سلسله آداب سطحی قناعت کرده اند، و نماز و روزه و حجی بی محتوا، و فاقد روح، و قرآنی خالی از تدبیر، و دعایی تهی از حضور قلب، و زیارتی به قصد سیاحت، انجام می دهند، بی آنکه اسلام در عمق جانشان ریشه دوانده باشد.

به راستی مسأله تشکیل خانواده و ارزشهای حاکم بر آن می تواند محک خوبی برای شناخت مسلمانان راستین، از مسلمانان سطحی باشد.

همانها که دم از حج و نماز و روزه می زنند، هنگام شوهر

دادن دختران خود چنان برای مهریه‌های میلیونی پافشاری می‌کنند، و حتی برای محکم کاری و پیش‌بینی نرخ تورّم در آینده، مبلغ مهریه را از پول رایج به طلای خالص ناب! تبدیل کرده، و به هنگام تعیین شیربهاء و مقدار طلا و جواهرات، چنان خونشان به جوش می‌آید و رگهای گردنشان سستبر می‌شود که گویی تمام موجودیّت آنها به خطر افتاده! آنها مرتب از شغل داماد، و مقدار ثروت او و پدرش و فامیلش، و خانه و اتومبیلش سخن می‌گویند، خدا را پاک فراموش کرده، و توکل بر ذات مقدّس او را در زندگی از دست می‌دهند.

به سرعت از خانه ملکي داماد سؤال می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از جوانان حقوق‌بگیر اگر تمام حقوق سی سال کارمندی خود را جمع کنند به زحمت پول یک خانه می‌شود! از سوی دیگر، آنها که به سراغ دختری می‌روند تمام چشمشان را به فرشهای خانه، و تجمّلات و زینت‌آلات و میزان ارث احتمالی او در آینده، و میزان قدرت آنها در تهیه یک مشّت و وسایل تجمّلی بنام جهیزیه که گاه بعضی از آنها در تمام عمر نیز یک‌بار مورد نیاز قرار نمی‌گیرد، دوخته‌اند.

اینجا است که اگر جسارت نباشد (و اِنْ شَاءَ اللهُ نیست) انسان به یاد حدیث معروف سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام می‌افتد که درباره گروهی از مردم فرمود:

النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لِعِقِّ عَلَى السِّنْتِهِمْ؛

مردم بندگان دنیایند، و دین تنها بر زبان آنها دور می‌زند!
 یا در حدیث دیگری از رسول الله ﷺ می‌خوانیم که
 دربارهٔ گروهی می‌فرماید:
 آنها قرآن را می‌خوانند در حالی که ﴿لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ﴾ از شانه‌های
 آنها بالاتر نمی‌رود! و به مغز و اعماق روح آنها نمی‌رسد.^۱
 ولی باید توجه داشت که این‌گونه برخورد با حقایق قرآن
 و تعلیمات اسلام عواقب دردناکی دارد، و مجازات الهی را به
 دنبال خواهد داشت، چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ
 می‌خوانیم:

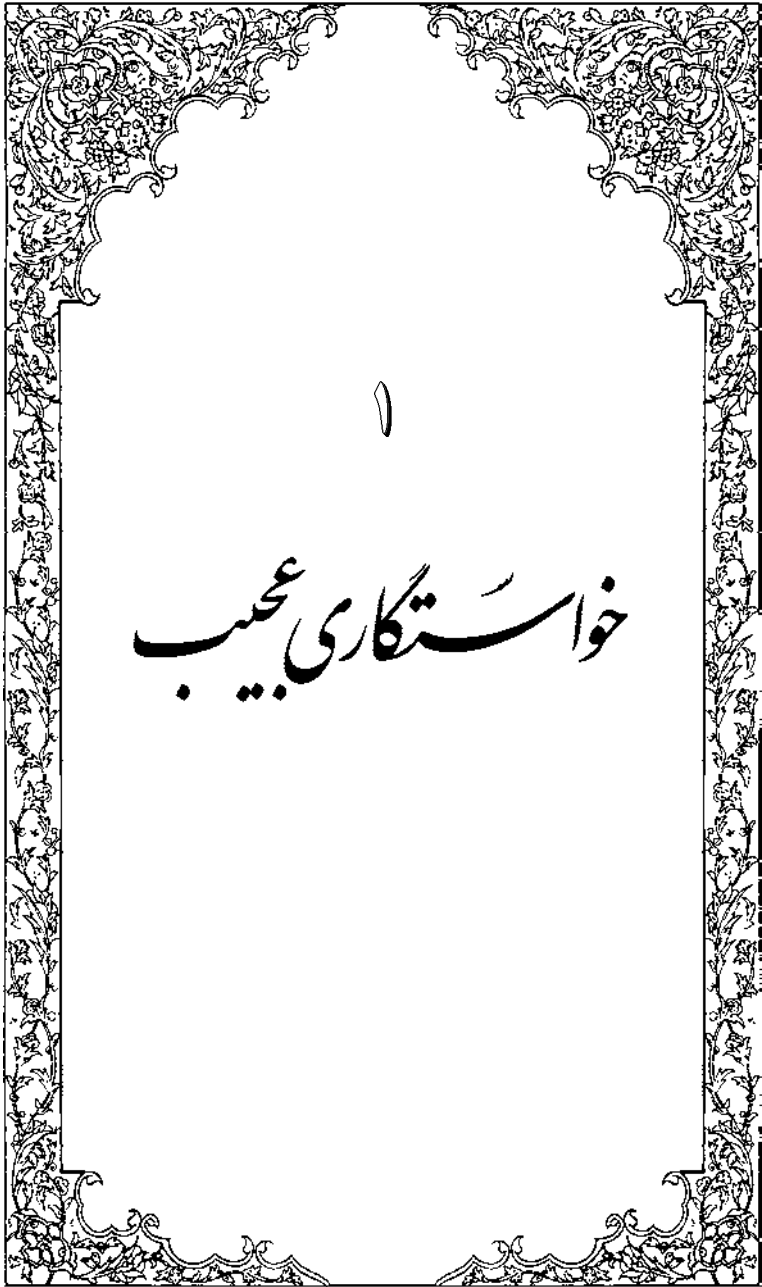
مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَامًا، أَوْ آثَرَ حُبًّا
 لِلدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا، اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ، إِلَّا أَنْ
 يَتُوبَ.

کسی که قرآن بخواند و سپس (بر خلاف دستور قرآن)
 مشروب حرامی را بخورد یا محبت دنیا و زینت آن را بر
 قرآن مقدم دارد مستوجب خشم الهی خواهد بود، مگر
 این‌که توبه کند!^۲

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۰، حدیث ۳. کتاب القرآن، باب ۹، ترتیل القرآن
 بالصوت الحسن.

۲. بحار الأنوار، جلد ۹۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۱۳.

به هر حال، هدف این است که به خواست خدا، ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان خانواده نمونه در اسلام، بهترین سرمشق در پایه گذاری زندگی خانوادگی قرار دهیم، و خدا را به حق آنان بخوانیم که به ما توفیق پیروی از سنتهای حسنه‌ای که آنها برای ما به یادگار گذارده‌اند، عنایت فرماید «آمین یا رب العالمین».



۱

خواستگاری محیب

نخستین گام

نخستین گام در تشکیل خانواده، خواستگاری است. در مناطقی که ما زندگی می‌کنیم، و بسیاری از مناطق دیگر، خواستگاری از سوی خانواده داماد شروع می‌شود، ولی در بعضی از کشورهای جهان (مانند بعضی از مناطق هند) بسیار دیده می‌شود که خواستگاری از ناحیه خانواده عروس صورت می‌گیرد! آنها هستند که به سراغ خانواده داماد و انتخاب او می‌روند، و حتی سعی می‌کنند با تعهد جهیزیه‌های سنگین، دل آنها را به دست آورند!

در بسیاری از کشورهای غربی و حتی در بعضی از مناطق غرب زده شرق هر دو به خواستگاری یکدیگر از طریق روزنامه‌ها می‌روند، دختر و پسر مشخصات خود را در بعضی از روزنامه‌ها عنوان کرده و آمادگی خود را برای

ازدواج با همسری که دارای شرایط و مشخصّاتی چنین و چنان بوده باشد، اعلام می‌دارند.

و عجیب نیست که مشخصّاتی که طرفین عنوان می‌کنند، مجموعه‌ای از یک سلسله ارزشهای صددرصد ظاهری و مادّی باشد مانند طول قامت، وزن بدن، رنگ مو، رنگ پوست و چشم و میزان بهره‌مندی از زیبایی و جمال (البته به تشخیص خودشان) و مسایل دیگری از قبیل علاقه به ورزش، و موسیقی و چیزهایی در این راستا؛ چرا که ارزشهای معنوی نه تنها در این‌گونه جوامع حاکم نیست، بلکه گاهی آنها را ضدّ ارزش یا جزء خرافات می‌شمرند و به باد سخریّه می‌گیرند.

به تازگی نوع دیگری از خواستگاری در میان قشرهای مذهبی پیدا شده که مرکزی را برای مراجعۀ دختران و پسرانی که آمادۀ ازدواج صحیح و سالم هستند، ترتیب می‌دهند؛ در این مراکز که افرادی مطمئن و متعهد و آگاه بر آن نظارت دارند، پرونده‌های محرمانه‌ای برای هر یک از خواستگاران تشکیل داده، و خصوصیات معنوی و مادّی همسر مورد نظر آنها را به صورت کلی ثبت می‌کنند، و به طبع هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد هر کس به آسانی می‌تواند فرد مورد نظر خود را پیدا کند.

البته ضوابطی بر این‌گونه مراکز حاکم است که جلو سوء استفاده افراد ناباب و عوامل نفوذی را می‌گیرد، و اگر این کار به شیوه صحیح و ظریفی گسترش یابد بسیاری از مشکلات همسریابی را حل خواهد کرد؛ ولی این نوع خواستگاری نیز خالی از نقص و عیب نیست.

به هر حال، نمی‌توان انکار کرد که هنوز در جوامع اسلامی ارزشهایی که بر مسأله خواستگاری چه از طرف دختر، و چه از طرف پسر، حاکم است، شکل اسلامی به خود نگرفته و در اکثر موارد بر محورهای مادی، و گاه حتی بر محور امور موهوم و تخیلی و دروغین و کاذب دور می‌زند.

کمتر کسی را می‌بینید که به‌هنگام خواستگاری دختر، به مال و ثروت پدر او، و مقدار جهیزیّه احتمالی، و طلا و جواهرات و درجه زیبایی و جمال او نیندیشد.

همچنین در مورد داماد اغلب مسأله شغل پدر درآمد، مسکن ملکی، نفوذ اجتماعی پدر، اتومبیل و وسیله‌های نقلیه گران‌قیمت و پر زرق و برق مورد توجه قرار می‌گیرد.

این روزها پایه‌های تحصیلی نیز مطرح است، اما اغلب منظور پایه‌های مدرکی است که به دنبال آن امکان اشتغال و کار مطرح می‌گردد، نه علم و سواد و فضل و دانش!

درعین حال نمی‌توان انکار کرد که هنوز هستند افرادی که

بیش از هر چیز به عفت و نجابت و ایمان و اخلاق و حسن سلوک و ایثار و فداکاری و صفا و تقوای همسر آینده خود می‌اندیشند، و ارزش او را با این مسایل تعیین می‌کنند، ولی نمی‌توان تعیین کرد که چند درصد اجتماع مسلمانان امروز این چنین فکر می‌کنند!



حال به سراغ «خانواده نمونه» می‌رویم تا ببینیم ارزش همسر را با چه معیاری مشخص می‌کنند.

در روایات متعددی این معنا را از قول امام صادق علیه السلام یا دیگر معصومین علیهم السلام می‌خوانیم:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا
كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى الْأَرْضِ؛^۱

اگر خداوند امیرمؤمنان علی علیه السلام را نیافریده بود، فاطمه علیها السلام همتایی برای همسری اش در تمام روی زمین نداشت!

بدیهی است این بی‌همتایی نه از نظر ارزشهای ظاهری و مادی است، بلکه تنها ناظر به ارزشهای معنوی، ایمان و تقوا و تقرب به پروردگار و مقامات فوق‌العاده و والای انسانی است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۷، حدیث ۶.

همین مطلب نیز از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد! خداوند جل جلاله می فرماید:

لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌّ عَلَيَّ
وَجْهٍ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ؛^۱

اگر من علی را نمی آفریدم همتایی برای همسری دخترم فاطمه در تمام روی زمین پیدا نمی شد، از آدم گرفته تا دیگران!

جالب اینکه، در صدر این حدیث پیغمبر اکرم ﷺ می فرماید:

گروهی از شخصیت‌های قریش مرا در مورد خواستگاری فاطمه عَلِيٍّ ملامت کردند، و گفتند: ما او را خواستگاری کردیم و تو ما را محروم نمودی، و او را به همسری علی درآوردی!

فرمود:

به خدا سوگند من شما را منع نکردم و من فاطمه را به همسری علی درنیاوردم، این خدا بود که شما را منع کرد و او را به همسری علی درآورد!

سپس جمله فوق را بیان فرمود.

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

در حدیث دیگری آمده است ابوبکر و عمر هر کدام، برای خواستگاری فاطمه عَلَيْهَا خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رفتند، و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پاسخ منفی به آنها داد. هنگامی که علی عَلَيْهِ السَّلَام به سراغ حضرت آمد با پیشنهاد او موافقت فرمود؛ در حالی که چیزی جز یک زره برای هزینه‌های این کار نداشت!

هنگامی که این خبر به بانوی اسلام فاطمه عَلَيْهَا رسید گریه کرد (از بعضی از روایات استفاده می‌شود، این گریه و ناراحتی به خاطر این بود که جمعی از زنان مدینه فاطمه را به خاطر همسری با مرد تهی دستی همچون علی عَلَيْهِ السَّلَام سرزنش کردند و زخم‌زبان زدند)، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از علت گریه او سؤال فرمود، هنگامی که از جریان آگاه شد، جمله مهمی بیان کرد که ارزشهای اسلامی را در مسأله خواستگاری و ازدواج روشن می‌سازد، فرمود:

وَاللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا
وَ أَوْلَهُمْ سِلْمًا؛^۱

به خدا سوگند کسی را به همسری تو در آوردم که از همه آنها علمش بیشتر، و حلمش برتر است، و نخستین کسی است که اسلام آورده!

در حدیث دیگری این مطلب به شکل گسترده‌تری مطرح

شده است. در این حدیث می خوانیم: فاطمه عَلَيْهَا هنگامی که سخن بالا را شنید، شادمان و مسرور شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در فرصتی دیگر خواست بهره افزونتری در این زمینه به او دهد، فرمود:

يَا فَاطِمَةَ، لِعَلِّي ثَمَانُ خِصَالٍ: إِيمَانُهُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ،
وَعِلْمُهُ، وَحِكْمَتُهُ وَرَوْجَتُهُ وَسِبْطُهُ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ، وَآمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ،
وَقَضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ؛^۱

ای فاطمه! علی هشت فضیلت دارد: ایمان به خدا و پیامبرش، علم و دانش، و حکمت، و همسر او، و فرزندانش حسن و حسین، و امر به معروف و نهی از منکر نمودن و داوری او به کتاب الله!

عقدی که در آسمانها بسته شد!

به طور قطع ازدواجی که بر پایه این گونه ارزشهای والا و برتر بنا می شود، باید عقد آن در آسمانها خوانده شود.

لذا در روایتی آمده است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:
خداوند میان من و علی پیمان برادری برقرار ساخت،
و دخترم را برای او بر فراز آسمانهای هفتگانه تزویج نمود،

و ملائکهٔ مقرّبین را گواه بر آن گرفت، و او را وصی و جانشین
من قرار داد.^۱

دسته‌های گل بهشتی!

معمول است برای جشن عقد یا عروسی و پیمان جدید
همسری، دسته‌های گل می‌برند.

جالب اینکه، در حدیثی می‌خوانیم:

جبرئیل با دسته گلی از بهشت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد؛
دسته گل را به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم داشت،
پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و بویید و فرمود:
این دسته گل به چه مناسبت است؟

عرض کرد:

به تمام ساکنان بهشت اعم از فرشتگان و غیر فرشتگان
دستور داده شده، بهشت را بیارایند، نسیم بهشتی را مأمور
ساخته که انواع عطرها و بوی خوش در فضای بهشت
بپراکند، به حورالعین دستور داده سوره‌هایی از قرآن مجید را
برخوانند، سپس منادی ندا در داده که امروز روز جشن
همسری علی بن ابی طالب است، شما گواه باشید که من
فاطمه دختر محمّد را به همسری علی بن ابی طالب

در آوردم... سپس منادی ندا در داد که ای فرشتگان و ساکنان بهشت! به علی و فاطمه تبریک بگویید که من خود به آنها تبریک گفتم، آگاه باشید من محبوبترین زنان را به محبوبترین مردان بعد از پیامبران و مرسلین تزویج نمودم...^۱

و در حدیث دیگری می خوانیم که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود:

مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
بِتَزْوِيجِهَا؛^۲

من فاطمه را به همسری علی علیه السلام در نیاوردم مگر بعد از آن زمان که خداوند به من دستور داد!

هاله حیا!

همان طور که گفتیم امروز کار به جایی رسیده که در کشورهای «غربی» و «غرب زده» پسران و دختران برای یافتن همسر آینده خود در جراید به صورت «زننده» و «زشتی» آگهی می کنند، مشخصات اعضای بدن خود و جزئیات آن را شرح می دهند، و چیزی که در میان آنها مفهوم ندارد، پوشش

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، صفحه ۱۰۲ (با تلخیص).

۲. همان، صفحه ۱۰۴.

زیبای حیاست.

در حالی که حیا هنوز بر خانواده‌های مذهبی حاکم است و زن را در هاله‌ی زیبایی از قداست و پاکی قرار می‌دهد، و به گوهر گرانبهائی تبدیل می‌کند که دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است؛ در صورتی که نبود حیا زن را به ابتذال می‌کشاند و از ارزش و بهای او می‌کاهد.

هنوز در میان قشر دین‌دار، معمول است که در مجالس عقد به هنگام گرفتن وکالت از دختر برای اجرای صیغه ازدواج، شخص وکیل باید چند مرتبه پیشنهاد وکالت را تکرار کند تا زن با آن موافقت نماید، آن هم با گفتن یک کلمه «بله» که تمام گوشه‌های حاضران منتظر شنیدن آن است، و حیا مانع می‌شود که عروس بسرعت این کلمه را بگوید، و به هنگامی که این واژه کوچک آمیخته با آن همه حیا در فضای مجلس می‌پیچد، غریو هلهله و شادی از حاضران برمی‌خیزد. این حیا و شرم، به زن ارزش می‌بخشد. حال آن را با ازدواجهای نامناسب و روزنامه‌ای مقایسه کنید و ارزش و اعتبار هر دو را مقایسه نمایید.

جالب اینکه در روایات اسلامی آمده است که در مورد دوشیزگان شنیدن «بله» نیز لازم نیست، همان سکوت معنادار و آمیخته با حجب و حیا که حاکم از رضایت آنها باشد، کافی

است.

این الگو از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا عَلَيْهَا بجا مانده، هنگامی که افرادی از سرشناسان مکه و مدینه خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به خواستگاری دخترش زهرا عَلَيْهَا آمدند و پیشنهاد آنها را برای بانوی اسلام بازگو کرد، فاطمه عَلَيْهَا قیافه درهم کشید، و روی برگردانید و نشان داد که ته دلش هرگز از این‌گونه پیشنهادها راضی نیست.

ولی هنگامی که علی عَلَيْهِ برای خواستگاری زهرا عَلَيْهَا خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خوشحال شد و فرمود: همینجا باش تا من نزد تو برگردم.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وارد منزل شد، دخترش زهرا عَلَيْهَا برخاست، عبا از دوش پدر برگرفت، و نعلین از پای او بیرون آورد، و آب آورد و با دست خود سر و صورت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و پاهای مبارکش را شستشو داد، سپس در برابرش نشست. پیامبر فرمود:

فاطمه!

بانوی اسلام عَلَيْهَا عرض کرد:

لَيْتَكَ لَيْتَكَ.

رسول الله! مطلبتان را بفرمایید.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

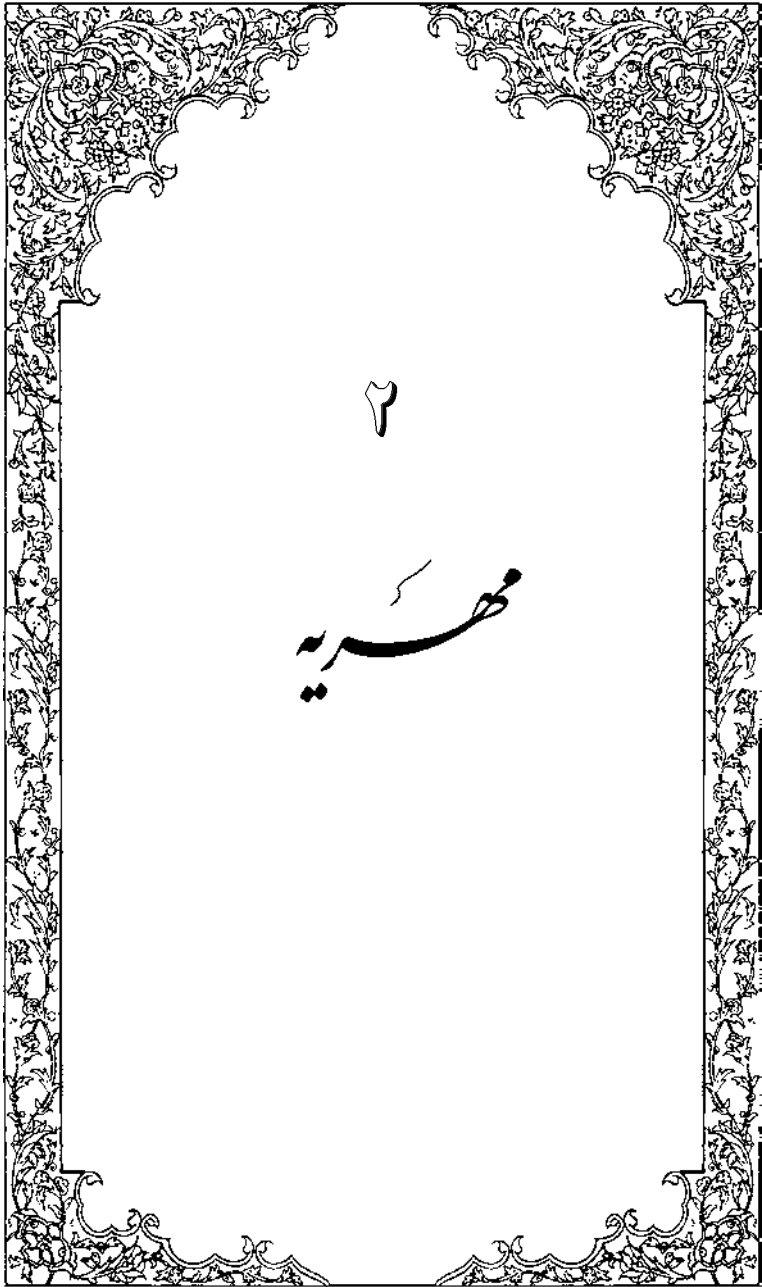
تو علی بن ابی طالب را بخوبی می‌شناسی، از نظر خویشاوندی‌اش با ما، و فضایل و سابقه اسلامی‌اش، و من از پروردگارم خواسته‌ام بهترین و محبوبترین خلق را نزد خودش به همسری تو برگزیند، او الآن نزد من برای خواستگاری آمده است، نظر تو چیست؟

فاطمه علیها السلام سکوت کرد و صورت برنگرداند، و هیچ نارضایتی از خود نشان نداد.

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و این جمله را (با خوشحالی) فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ سُكُوتُهَا إِقْرَارُهَا؛^۱

خدا بزرگتر از آن است که توصیف گردد، سکوت دخترم به منزله اقرار او است!



بحران مهریه

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند اسلام اهمّیت کمی برای مهریه قایل است، تا آنجا که اگر زن و مردی ازدواج دایم کنند، و سخنی از مهریه به میان نیاورند، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شود و ازدواجشان صحیح است، و باید برای چنین زنی مهریه‌ای همانند زنان امثال او قایل شد (مهرالمثل).

افراط و تفریط در این مسأله، مانند بسیاری از مسایل دیگر، هنوز بر جامعه ما حاکم است؛ بعضی چنان به سراغ تعیین مهریه‌های سنگین می‌روند که گویی تمام افتخار و ارزش زن در آن خلاصه می‌شود و کم بودن مهریه را دلیل بر بی‌شخصیتی زن، و زیادی آن را مایه افتخار و مباهات و نشانه عظمت او می‌پندارند.

بسیاری از مردم چنان برای مهریه چانه می‌زنند که گویی

می‌خواهند خانه و ملکی را خرید و فروش کنند و نه تنها به مهریه‌های نسیه و در ذمه، بلکه به مهریه‌های نقدی از نوع «پول رایج» نیز قانع نیستند، چراکه با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند و ارزش آن کاسته می‌شود.

باید حتماً «سگه‌های طلا» و «املاک شش‌دانگ» و مانند آن باشد.

در برابر این گروه اخیر، بعضی (به تقلید اروپاییها که مهریه ندارند) بطور کلی با مهریه مخالفند، و آن را بی‌معنا می‌دانند؛ در حالی که مهریه فلسفه‌هایی دارد که این گروه از آن غافل و بی‌خبرند.

فلسفه مهریه را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱] مهریه یک نوع اکرام و احترام نسبت به مقام والای زن است، و در واقع هدیه‌ای است از سوی شوهر که دلیل محبت، و نشانه جدی بودن پیمان زناشویی است.

۲] همه جا معمول است که زن با خود جهیزیه‌ای به خانه شوهر می‌برد و اغلب در تهیه این جهیزیه گرفتار مشکلات می‌شوند، «مهریه نقدی» کمکی است از سوی شوهر برای تهیه جهیزیه و نشانه‌ای است از وفاداری و قبول مسئولیت نسبت به زندگی آینده.

۳] مهریه می‌تواند تا حدی خسارت اقتصادی زن را در

صورت جدایی جبران کند، زیرا می دانیم زنانی که از شوهر خود طلاق می گیرند شانس کمتری برای ازدواج مجدد دارند تا مردان آنها.

۴] مهریه غیر نقدی عامل بازدارنده‌ای است در برابر طلاق، و شاید به همین دلیل شارع مقدس اسلام به هیچ وجه حدّ و مرزی برای آن تعیین نکرده و نوع خاصی قایل نشده، از اموری که تنها جنبه معنوی دارد مانند «تعلیم قرآن» گرفته، تا مهریه‌های فراوان مادی را شامل می شود، چرا که شرایط مختلف‌اند و اشخاص متفاوت.

در عین حال در اسلام توصیه مؤکد برای سبک کردن مهریه شده است؛ چنانکه علی علیه السلام می فرماید:

لَا تُغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً؛^۱

مهریه‌های زنان را گران و سنگین نکنید، چرا که سبب عداوت و کینه‌توزی می شود.

مرحوم شیخ صدوق در روایت مرسله‌ای از معصومین علیهم السلام چنین نقل می کند:

مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَمِنْ شُومِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا؛^۲

از برکات زن این است که مهرش کم باشد و از شوم

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۱، حدیث ۱۲.

۲. وسائل الشیعه، صفحه ۱۰، حدیث ۸.

و نامیمونی او، زیادی مهر او است.

مهریه‌های سنگین در عصر ما اغلب از سه عامل سرچشمه می‌گیرد:

۱] گاه از چشم و هم‌چشمی‌ها و مسابقه در این‌گونه مسایل است که افرادی از این طریق می‌خواهند به پندار خویش شخصیت و الاتری برای خود یا فرزندان خویش کسب نمایند.

۲] گاه از غلبه روح مادیگری و ارزشهای مادی است که اساساً تمام تلاشهای گروهی برای رسیدن به آن است، و از آنجا که مهریه زیاد در کوتاه مدت یا درازمدت درآمد بیشتری را همراه دارد، آن را ترجیح می‌دهند.

۳] و بالاخره گاهی از عدم اعتماد متقابل میان دو همسر یا خانواده‌های آنها سرچشمه می‌گیرد، زیرا از این بیم دارند که زندگانی مشترک آن دو، دوام پیدا نکند، و می‌خواهند این مهریه سنگین مانعی بر سر راه جدایی گردد، و یا در فرض جدایی، کمکی به زن در مشکلات ناشی از آن نماید.

روشن است که اگر سه عامل فوق از بین برود، چشم و هم‌چشمی‌ها و رقابتها در میان نباشد، و نخواهند به وسیله ازدواج، تجارت کنند، و به زندگی مشترک آینده در سایه ایمان و تقوا امیدوار باشند، دلیلی ندارد که به دنبال این‌گونه

مهرهای کمر شکن بروند.

مهر «بانوی اسلام»

اکنون به سراغ «خانواده نمونه» برویم تا از آن الگو بگیریم و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کنیم، و مهریه اسلامی را از غیر اسلامی باز شناسیم.

در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه‌های جهیزیه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

زره خود را بفروش، علی علیه السلام می‌گوید زره را فروختم و پول آن را در دامن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله ریختم، بی آن که از من سؤال کند چه مقدار است، و یا من خبر دهم، دست کرد و مشتت از آن را گرفت و به بلال داد و فرمود:

با این برای فاطمه عطر و بوی خوش بخر.

باز دست کرد و یک مشت دیگر به جمعی از اصحاب داد و فرمود برای فاطمه آنچه نیاز دارد، از لباس و اثاثیه منزل تهیه کنید.^۱

در حدیث دیگری آمده است که صداق و مهریه

فاطمه عليها السلام، زرهی از آهن بود...^۱.

ولی در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، دخترش فاطمه عليها السلام را به هنگام تزویج با علی عليه السلام به چهار صد و هشتاد درهم مهر نمود.

و در حدیثی پانصد درهم آمده است.^۲

در حدیث دیگری آمده، هنگامی که سخن از کمی این مهریه به میان آمد رسول الله صلی الله علیه و آله به بانوی اسلام فرمود:

من تو را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا تو را به علی تزویج فرموده، و مهر تو را یک پنجم تمام دنیا تا زمانی که آسمان و زمین برپاست، قرار داده است! (وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمُسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ).^۳

این مهریه عظیم معنوی و الهی پاداش آن گذشتی است که زهرا عليها السلام از خود نشان داد؛ حتی در حدیثی که در «مصباح الانوار» آمده است می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صَدَاقَهَا
الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا

۱. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۰۴.

۲. همان، صفحه ۱۲۲.

۳. همان، صفحه ۱۴۴.

حَرَاماً؛^۱

خداوند فاطمه را به همسری تو درآورد، و مهر او را تمام زمین قرار داد، کسی که بر روی آن راه رود در حالی که دشمن تو باشد، قدم به حرام برداشته است (و استفاده از زمین و آنچه بر آن است حرامش باد)!

معمولاً نزدیکان داماد نسبت به اموال خانواده عروس کنجکاو و حسّاسند، همچنین اقوام عروس نسبت به ثروت داماد؛ و لذا اغلب به جای تحقیق در ارزشهای معنوی و کمالات انسانی و فضایل اخلاقی طرفین، جستجو از ثروت‌های موجود یا بالقوه یکدیگر می‌کنند، و آن را به رخ هم می‌کشند.

از پست و مقام‌های بستگان عروس و داماد سخن می‌گویند که پدرش چه کاره است و پسر عمویش چه کاره، و پسر پسر عمویش یا نوه دایی اش چه پست و مقامی دارد! ولی در حدیث می‌خوانیم هنگامی که علی عَلَيْهِ السَّلَام به محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای خواستگاری فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

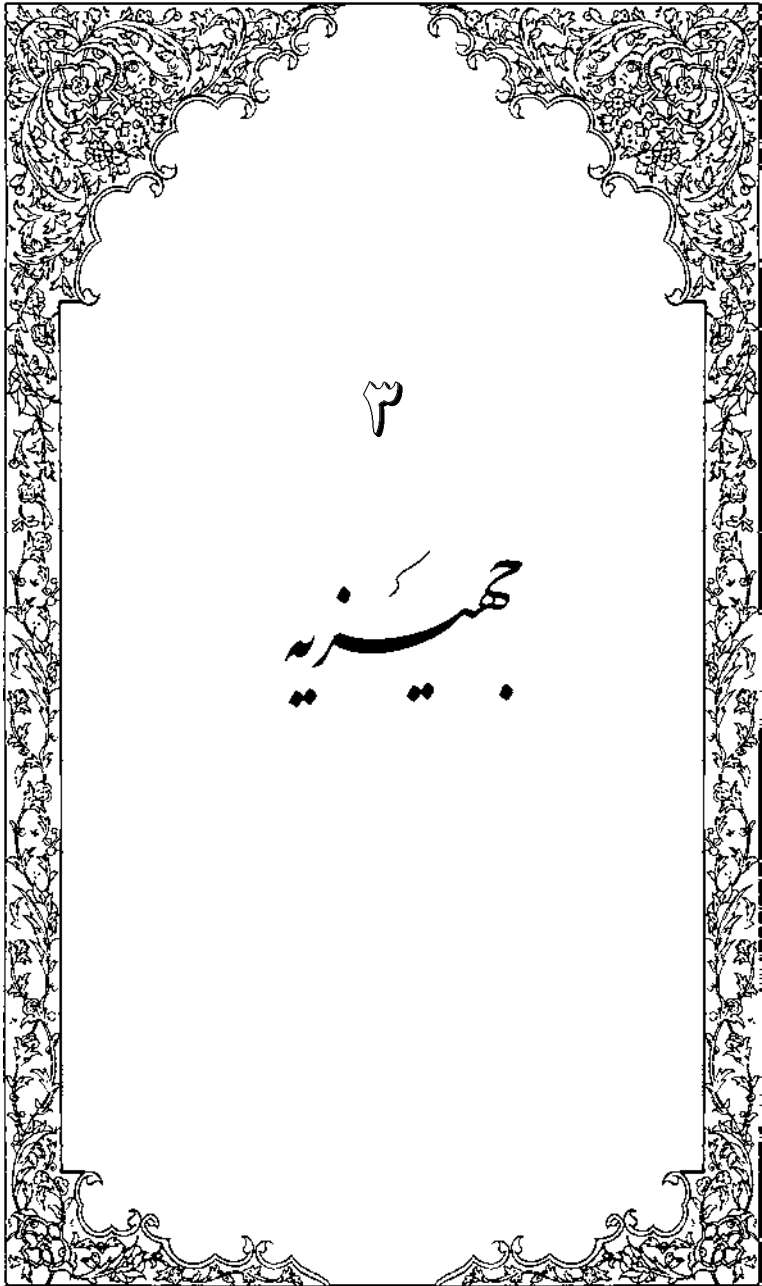
چه چیز صدق و مهریه قرار خواهی داد؟

عرض کرد:

شمشیر و اسب و زره و شتری را که با آن آبیاری می‌کنم
(یعنی تمام دارایی‌ام).

فرمود:

«شتر» و «شمشیر» و «اسب» مورد نیاز تو است و بدون
آن نمی‌توانی با دشمن جهاد کنی، اما زرهت مانعی ندارد!
اینجا بود که علی علیه السلام رفت و زره را فروخت و پول آن را
در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت...



مسألهٔ بفرنج جهیزیّه

هر کسی فلسفهٔ جهیزیّه را درک می‌کند.

دو همسر که می‌خواهند زندگی مشترک جدیدی را آغاز کنند باید حدّ اقلّ وسایل زندگی داخلی را دارا باشند، وگرنه مجبورند سربار پدر و مادر گردند که این موضوع هم مایهٔ ناراحتی آنهاست، و هم استقلال زوجین را از بین می‌برد.

لذا همه جا معمول است که بستگان عروس، لوازم اولیّهٔ زندگی را همراه او به خانهٔ داماد می‌فرستند، و در مقابل، داماد هزینه‌های دیگر عروسی، و حتّی بخشی از هزینه‌های جهیزیّه را (از طریق پرداختن مهریهٔ نقدی) پذیرا می‌گردد، و با این همکاری و همیاری مشکلات حل می‌شود.

ولی بیشتر مردم این حقیقت را فراموش می‌کنند که صلاح و مصلحت دو همسر آن است که زندگی را از جای ساده‌ای

شروع کنند و اگر می‌خواهند توسعه دهند، این کار را به تدریج انجام دهند؛ چرا که کشیدن بار چنین زندگی آسانتر است، و روح محبت و دوستی و صفا و معنویت در چنین زندگی ساده‌ای موج می‌زند، و ارزشهای والای اخلاقی در زیر آوارهای جهیزیّه سنگین دفن نمی‌شود.

ولی ما در جامعه شاهد آن هستیم که چگونه رقابتها و چشم‌هم‌چشمی‌ها، تجمل‌پرستیها و خرافات و موهومات در این مسأله ساده نفوذ کرده است! گاه از سالیان دراز، هم‌ و غم‌ پدر و مادر دختر تهیّه جهیزیّه است، حتی از خوراک روز، و شام شب، باید بکاهند، تا یک جهیزیّه سنگین را تهیّه کنند، و به اصطلاح آبروی خود را حفظ کرده، و به پندار خود دخترشان را سربلند سازند!

در بسیاری از نقاط هنگام فرستادن جهیزیّه، طی یک نمایش مسخره و خنده‌دار قافله حاملان جهیزیّه با یک دنیا سروصدا به راه می‌افتد، چنان جار و جنجالی برپا می‌کنند که نه تنها همسایگان، بلکه تمام محل، و گاهی همه شهر با خبر شوند که فلان کس فلان مقدار جهیزیّه را برای دختر خود به خانه داماد فرستاده است، و این مایه فخر و مباهات آنها است!

در بعضی از مناطق هنگامی که قافله حمل جهیزیّه کار

خود را تمام کرد، آنها را در اطاق یا اطاقهای متعددی در کنار هم می‌چینند، و به صورت موزه‌های تماشایی درمی‌آورند، و از فامیل و دوستان دعوت می‌کنند که به تماشای این موزه بیایند!

چه عادت شوم و زشت و رسم ناپسندی!
 بدیهی است اگر جهیزیه از نظر کیفیت و کمیّت در سطح پایین باشد، عرق شرمساری بر چهره عروس و نزدیکان او می‌نشیند، و بگومگوها شروع می‌شود، یکی طنز می‌گوید، دیگری پشت چشم نازک کرده و با نیشخند می‌گوید: انشاءالله مبارکشان باشد! دیگری از روی ترحم می‌گوید: اینها مهم نیست مهم آن است که یکدیگر را دوست بدارند!
 و اگر زیاد باشد، باد به غبغب انداخته، به شرح گسترده‌ای درباره تهنیه هر یک از قسمتهای آن پرداخته، و زحماتی را که برای تهنیه آن از بازارها به قیمت‌های گزاف، از سفر مکه و زیارت سوریه، از فروشگاههای درجه اول و منحصر به فرد کشیده‌اند، می‌پردازند.

کسی نیست از این افراد پرسد اگر جهیزیه برای زندگی خصوصی عروس و داماد تهیه شده، نمایش آن برای دیگران چه معنایی دارد! هدف از این نمایش مضحک و بی‌معنا چیست!

مگر ما هر وقت و سایلی برای خانه خود می‌خریم دیگران را دعوت برای تماشا می‌کنیم!
متأسفانه گاه بگومگوها و گله‌های مربوط به آن، سالها در میان فامیل باقی می‌ماند و آثار شوم و سوء آن در روحیه عروس و داماد، شهاد شیرین زندگی را در کام آنها تلخ می‌سازد.

در حالی که می‌دانیم فلسفه جهیزیه، آغاز یک زندگی ساده و آبرمند و توأم با خوشبختی و شادکامی است، نه مسابقه‌های زشت و نمایشهای مسخره و شرم‌آور.

از همه بدتر این‌که، در چنان مجلسی به سرعت مقایسه‌ها شروع می‌شود و جهیزیه این دختر و آن دختر را با هم می‌سنجند، در نتیجه این مقایسه آتش کینه و حسد و عداوت را در دل گروهی از حاضران می‌افروزد، و مفساد دیگری را به دنبال دارد، چراکه همیشه کار بد، زنجیروار کارهای بد دیگری را سبب می‌شود.

جهیزیه دختر گرامی پیامبر ﷺ

حال به سراغ «خانواده نمونه» برویم و جهیزیه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده‌ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم ﷺ را مورد توجه قرار دهیم و از آن الهام بگیریم.

در بحث‌های گذشته خواندیم که تمام سرمایه مولای متقیان علیهم‌السلام برای مراسم ازدواج تنها پول زرهی بود که به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را فروخت و از آن «عطریات» و «لباس» و «جهیزیّه» حضرت زهرا علیها‌السلام تهیه شد.

قیمت این زره به روایتی، سی درهم، و به روایات دیگر ۴۸۰ یا ۵۰۰ درهم بود^۱ و با توجه به این که «درهم» تقریباً نیم‌مثقال نقره مسکوک است، مجموع قیمت زره و بهای تمام وسایلی را که به‌عنوان جهیزیّه تهیه کردند، به آسانی می‌توان محاسبه نمود.

از روایتی استفاده می‌شود که تنها یک سوم قیمت زره برای جهیزیّه مصرف شد، و از آن بخوبی برمی‌آید که تا چه حد وسایل زندگی جدید این دو زوج خوشبخت جهان بشریت ساده‌ویی آرایش و دورازهرگونه تشریفات بوده است. صورت جهیزیّه بانوی اسلام علیها‌السلام و به اصطلاح ریز اقلام آن را نیز مورّخان در تاریخ‌های خود ثبت کرده‌اند که مطالعه آن، انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه‌رو می‌سازد، که عظمت و شکوه بی‌نظیر و خیره‌کننده‌اش

۱. مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» می‌گوید: ممکن است قیمت واقعی آن همان ۳۰ درهم بوده، ولی بعضی از علاقه‌مندان، آن را به مبلغ زیادتری خریده باشند.

هر انسان آزاده‌ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.
صورت جهیزیّه‌ای که یاران پیامبر ﷺ با آن وجه مختصر
برای یگانه دختر پیامبر ﷺ تهیه کردند به این ترتیب بود:

- ۱- یک فرش مصری که داخل آن پشم بود.
 - ۲- یک سفره چرمی.
 - ۳- یک متکای چرمی که داخل آن لیف درخت خرما بود.
 - ۴- یک عبای خیبری.
 - ۵- یک مشک آب.
 - ۶- چند کوزه.
 - ۷- چند ظرف و کاسه سفالین.
 - ۸- یک ظرف برای آب و آب‌کشی (مطهره).
 - ۹- یک پرده نازک پشمی.
- این بود مجموعه جهیزیّه زهرائیه رضی الله عنها طبق روایت^۱.
هنگامی که وسایل فوق را نزد پیامبر ﷺ آوردند نگاهی به
آن کرد و گریست، سپس سر به سوی آسمان بلند کرد
و دعای عجیبی کرد و گفت:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمِ جُلِّ آيَاتِهِمُ الْخَزَفَ؛^۲

خداوندا به قومی که غالب ظروف آنها سفالین است، مبارک

گردان!

۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۳۰.

۲. همان.

دقت در اقسام این جهیزیّه عجیب و تاریخی، و دعایی که پیامبر ﷺ به دنبال آن فرمود، چیزهای بسیاری به انسان می آموزد. عظمت و شکوهی که در این جهیزیّه ساده نهفته است، و پیام و الهامی که به فرزندان اسلام در تمام قرن‌ها می دهد، غیر قابل توصیف است.

پیغمبر اکرم ﷺ با این کار می خواهد درس بزرگی برای تمام اعصار و برای تمام نسلها به یادگار بگذارد، و نشان دهد که اسلام بر محور تجمل پرستی و رقابت‌های کمرشکن مادی که مایه سختی کار ازدواج، و به تأخیر افتادن برنامه جوانان، و آلودگی اجتماع مسلمین می گردد، نیست. اساس و پایه کار، همه جا بر سهولت و سادگی، و وارستگی و آزادگی و صفا و صمیمیت استوار است.

آنچه پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نمونه و سرمشق نشان داد نه تنها در مقیاس امروز ساده و بی تکلف بود، بلکه در اجتماع آن زمان نیز بسیار ساده تلقی می شد، تا آنجا که دنیاپرستان آن عصر که هنوز رسوبات «ارزشهای جاهلی» در اعماق روح و جان تاریکشان بود، زهرای عزیز را بر این زندگی ساده شوهرش سرزنش کردند، و جوابی با آن عظمت را از پیغمبر اکرم ﷺ شنیدند که قبلاً ذکر کردیم.

اینها همه هشدار است به آنها که نه تنها روی قلم به قلم

وسایل تجملی جهیزیه که گاه بسیاری از آنها در تمام طول عمر هم یکبار مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اصرار دارند، بلکه حتی روی مارکهای مختلف داخلی یا خارجی و رنگ و نقش و نگار آنها نیز حساسیت آمیخته با وسواس نشان می‌دهند؛ آری هشدار است به همه آنها!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با امکاناتی که در آن زمان داشت، می‌توانست وسایلی بسیار بهتر و با ارزشتر از آنچه گفتیم برای تنها دخترش زهرا علیها السلام و تنها یادگار همسر محبوبش خدیجه، و تنها یار و یاور همیشگی اش علی علیه السلام فراهم سازد، ولی به عمد این کار را نکرد، که اگر می‌کرد دستور جاویدان: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ ارزش خود را از دست می‌داد.

جالب این‌که، گروهی از مسلمانان، این سخنان را می‌شنوند، و بی‌خیال از کنار آن بسادگی می‌گذرند، و گاه اسم این بی‌اعتنایی را ضرورت‌های عصر و زمان می‌گذارند، ضرورتی که آبرو و حیثیت آنها در گرو آن است!

در حالی که ضرورت بودن آن، «بهانه» یا «خیال» و «توهمی» بیش نیست، مانند همه خیالها و پندارها در صحنه زندگی که:

از خیالی صلحشان و جنگشان

وز خیالی نامشان و ننگشان

و از همه مضحکتر این‌که، گاه برای تیمن و تبرک در کنار مهریه‌های سنگین چند میلیونی، مهریه پانصد درهمی حضرت زهرا علیها السلام را نیز ضمیمه می‌کنند! یا بعضی از قلمهای جهیزیه آن حضرت را برای تأسی به آن بزرگوار در کنار اجناس لوکس و وسایل پر زرق و برق و گرانقیمت خود قرار می‌دهند.

این درست به آن می‌ماند که در کنار سفره‌ای که انواع غذاهای رنگین داخلی و خارجی، و سنتی و مد روز، در آن جمع است، مقداری نان جو و نمک هم قرار دهیم که این خوراک مولای متقیان و پیشوای آزادگان جهان، علی علیه السلام است و ما شیعیان و پیروان مکتب او هستیم! چقدر این کار سطحی و شرم‌آور است!

من معتقدم بیرون آوردن بسیاری از پدران و مادران تجمل‌پرست متعصب از زیر آوار تقلیدها و آداب و رسوم غلط و خرافی کار آسانی نیست. جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی‌آلایش تری دارند برای سنت‌شکنی، و درهم کوبیدن آداب و رسوم غلط آماده‌ترند، آنها باید بپاخیزند و اجازه ندهند سرنوشتشان بازیچه دست این

سنت‌های زشت، و رقابتها و چشم و هم‌چشمی‌های ویرانگر بزرگترها شود، و صفا و صمیمیت همسرانشان در آتش این رسوم غلط و غیر منطقی بسوزد.

آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، و دست‌های معمارانی را که سنگ اول زیربنای زندگی آنها را از اول کج می‌نهند، و بعد از آن تا گنبد دوار کج می‌رود، از این مسأله حیاتی کوتاه کنند، و در حرف و عمل ثابت نمایند طرفدار مهریه‌های معقول، جهیزیه‌های ساده، و مراسم ازدواج بی‌تکلف و آمیخته با صمیمیت و صفای اسلام هستند.

پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علی مرتضی‌علیه‌السلام می‌باشند.

دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه‌علیه‌السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می‌گیرند، و به وسوسه‌های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی‌های در لباس خیرخواهی، توجهی نمی‌کنند؛ و من‌به تأثیر این سخنان در جوانان بسیار امیدوارم.



٢

خطبة عقد

مراسم خطبهٔ عقد

این مراسم نیز اغلب با تشریفات زیادی همراه است، و گاه آمیخته با انواع گناهان می‌باشد، ولی در مقایسه با مراسم شب زفاف (جشن عروسی) ساده‌تر است.

در این مراسم قسمتهای جالبی دیده می‌شود که یا پیروی از یک سنت اسلامی است، مانند خواندن خطبه‌ای که مشتمل بر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ اهمیّت ازدواج برای جوانان و ارزشهای حاکم بر آن است و وظیفهٔ بزرگسالان را در برابر این امر حیاتی روشن می‌سازد؛ یا تبعیّت از یک سنت حسنه است، مانند نشستن عروس بر سجّاده (جانماز) رو به قبله، در حضور قرآن که نشانهٔ ایمان و تقوای الهی است، و در برابر آئینه و شمعدان که سمبل صفا و پاکی و روشنی است؛ و یک سلسله کارهای سادهٔ سمبلیک

ديگر كه شايد خوانندگان از نويسنده نسبت به آن آشنا ترند، اينها همه در جاي خود خوب است و جالب.

ولي متأسفانه مصيبت از آنجا شروع مي شود كه دعوت شونديگان، چنان مسابقه اي با هم در لباسهاي تجملي و آرايشهاي جلف و زننده، و آويختن انواع زينت آلات به خود مي دهند كه گاه عروس در ميان آنها گم مي شود! و طبيعي است كه در چنين جلسه شومي همه در اندیشه خود آرايي و خودنمايي هستند.

و اي بر آن وقتي كه پاي مردان نيز به بهانه هاي مختلف به اين مجلس باز شود و اختلاط برقرار شود، و فيلمبرداران و عكاسان از اين مراسم كه يكپارچه گناه و معصيت و نافرمانی خداست عكس و فيلم بردارند، و به گناهان خود رنگ جاودانگي بزنند!



چه بهتر كه شرح اين فجاييع را رها كنيم و به سراغ خانواده نمونه اي برويم كه به راستي آنچه خوبان همه دارند آنها به تنهائي دارند.

از خطبه هاي عقد بانوي اسلام فاطمه زهرا عليها السلام شروع مي كنيم:

خطبه اي كه خدا خواند؛ خطبه اي كه رسول الله صلى الله عليه وآله

خواند؛ و خطبه‌ای که علی علیه السلام خواند که همه معنادار و آموزنده است:

در خطبه الهی آمده است:

أَلْحَمْدُ رِذَائِي وَالْعِزَّةُ كِبْرِيَائِي وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ
عَبِيدِي وَإِمَائِي، زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ أُمَّتِي مِنْ عَلِيٍّ
صَفْوَتِي، إِشْهَدُوا مَلَائِكَتِي؛

حمد شایسته من است و عظمت به من می‌برازد، و تمام خلق، بندگان و کنیزان من هستید، من کنیزم «فاطمه» را به همسری «علی» درآوردم، ای فرشتگان من، همه گواه باشید!

جمله‌های آغاز این خطبه، بینی مستکبران و خود برترینان را به خاک می‌مالد، و عظمت و بزرگی را مخصوص خدا می‌شمرد، و جمله‌های بعد، آخرین حد انسان را بندگی خدا می‌شمرد.

سپس افتخار بزرگ فاطمه علیها السلام را همین مقام بندگی حق، و افتخار علی علیه السلام را برگزیده خدا از میان بندگان بودن، معرفی می‌کند.

بعد خداوند با ولایت مطلقه‌اش عقد همسری این دو وجود پر جود عالم بشریت را می‌بندد، و تمامی فرشتگان مقرب را گواه بر آن می‌گیرد، تا سرمشقی برای همگان باشد.

دومین خطبه از آن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که طبق روایات چهل روز بعد از آن اجرا شد (این فاصلهٔ اربعین، خواه برای مراعات جاذب ادب باشد یا رمز تکامل، در هر حال پرمعناست).

خطبه به این شرح بود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ، النَّافِذِ أَمْرُهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّزَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُضَاهَرَةَ نَسَباً لِأَحِقَّأً، وَ أَمراً مُفْتَرِضاً، وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ أَلْزَمَهَا الْأَنَامَ، فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ؛ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيراً...

ثُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَى أَرْبَعِمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ...

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به خاطر نعمتهایش شایستهٔ حمد است، و به خاطر قدرتش در خور عبودیت، و به خاطر سلطه و حاکمیتش سزاوار اطاعت، خدایی که عذابش موجب وحشت، و پاداشه‌هایش مایهٔ

رغبت، و حکمش در آسمان و زمین نافذ است، خدایی که خلق را با قدرتش آفرید، و آنها را با احکامش از هم جدا نمود، با دینش آنان را عزّت بخشید، و با پیامبرش محمّد گرامی داشت.

سپس خداوند پیمان زناشویی را همردیف خویشاوندی نسبی قرار داد و تاروپود آن دورا درهم آمیخت، و بر بندگان واجب شمرد، و در همین زمینه خداوند متعال می‌فرماید: او کسی است که انسان را از آب آفرید و (گسترش نسل) او را از طریق نسب و زناشویی قرار داد و پروردگار تو توانا است...
سپس من، شما (یارانم) را گواه می‌گیرم که دخترم فاطمه را با مهریه‌ای برابر ۴۰۰ مثقال نقره به همسری علی درآوردم.^۱

در این خطبه نیز ضمن برشمردن نکات دقیق و ظریفی از معارف توحیدی و اوصاف جمال و جلال و افعال خدا که پایه اصلی اعتماد خانواده را تشکیل می‌دهد، و اشاره به آفرینش عجیب انسان از آب (نطفه) و گسترش نسل او از طریق نسب و زناشویی می‌کند، به اهمّیت مسأله ازدواج

۱. بحارالانوار، جلد ۴۲، صفحه ۱۱۹ - تعبیر به ۴۰۰ مثقال نقره که در این روایت آمده شاذ است و ممکن است از اشتباه روات باشد و گرنه معروف ۵۰۰ درهم است و این غیر از مهر نقدی است که از پول زره پرداخته شد.

پرداخته و آن را به عنوان وسیله‌ای برای بقای نوع بشر فرض و واجب می‌شمرد، سپس به اجرای عقد بزرگ بانوی اسلام برای بزرگمرد جهان انسانیت می‌پردازد.

و بالاخره در خطبه فصیح و بلیغ خود امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین می‌خوانیم: که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود برای خودت خطبه بخوان، علی علیه السلام عرضه داشت:

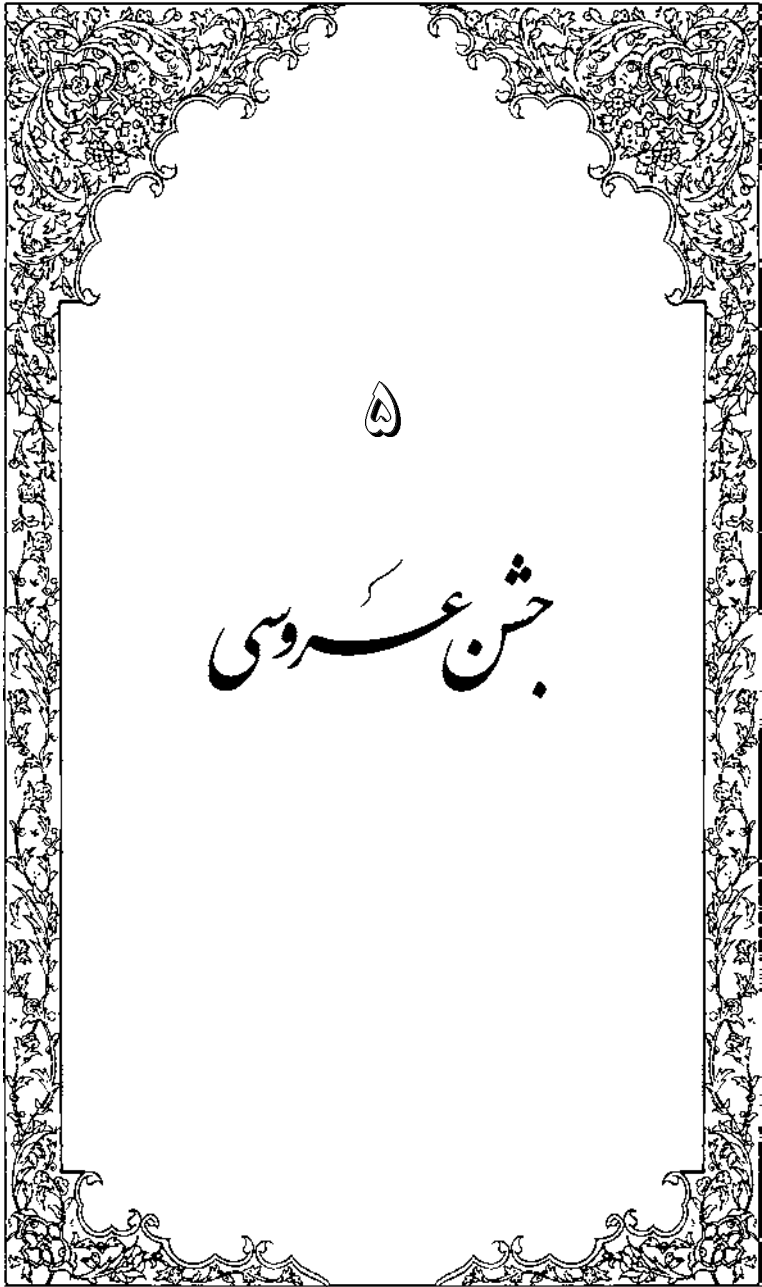
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ دَنَا مِنْ سَائِلِيهِ،
 وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ، وَأَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ،
 نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَأَيَادِيهِ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ
 أَنَّهُ خَالِقُهُ وَبَارِيهِ، وَ مُمِيتُهُ وَ مُحْيِيهِ، وَ مُسَائِلُهُ عَنِ
 مُسْأَوِيهِ، وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ، وَ نُؤْمِنُ بِهِ
 وَ نَسْتَكْفِيهِ، نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 شَهَادَةً تَبْلَعُهُ وَ تُرْضِيهِ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
 صَلَوَاتُكَ تُزَلِّفُهُ وَ تُحْطِيهِ، وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِيهِ، وَ النِّكَاحُ
 مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يُرْضِيهِ، وَ اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ
 وَ أَدْنَى فِيهِ، وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ زَوْجَنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ
 عَلَى خَمْسِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيْتُ فَاسْأَلُوهُ
 وَ اشْهَدُوا^۱

ستایش ویژه خداوندی است که نسبت به ستایش کنندگانش نزدیک و به درخواست کنندگانش قریب است، به پرهیزگاران بهشت و به گهنگاران دوزخ، وعده داده است. من او را بر احسان قدیم و انواع نعمت‌هایش حمد می‌گوییم، حمد کسی که او را خالق و آفریدگار خود می‌داند، و میراننده و زنده کننده خود می‌شناسد، و یقین دارد او را در برابر اعمال بدش موأخذه می‌کند.

من از او یاری می‌طلبم و هدایت می‌جویم و به او ایمان می‌آورم و از او کفایت امورم را می‌خواهم.

و شهادت می‌دهیم هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست، یگانه است و شریک ندارد، شهادتی که به ساحت قدسش می‌رسد، و او را راضی می‌کند، و نیز گواهی می‌دهیم که محمد بنده و فرستاده او است، و به او درود می‌فرستیم که وی را به خدا نزدیکتر و از لطفش بهره‌مندتر، و مقامش را والاتر و برگزیده‌تر سازد.

(اما بعد) ازدواج از اموری است که خدا به آن امر کرده، و مایه خوشنودی او است، و ازدواج ما از اموری است که خدا آن را مقدر فرموده، و اجازه داده، این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهریه‌ای به مقدار پانصد درهم به همسری من درآورده است و من به این امر راضی شده‌ام از او (این مطلب را) جويا شوید و (بر آن) گواهی دهید.



۵

جشن عسروی

مراسم عروسی

یکی از آرزوهای بسیاری از پدران و مادران آن است که زنده بمانند و مراسم زفاف فرزندان خود را ببینند، که در واقع دیدنی هم است، به شرط آنکه با ندانم کاریها و اعمال بی‌رویه خود، آن شب شادمانی را به عزا مبدل نکنند.

این مراسم در اسلام نیز وجود دارد و به‌عنوان «ولیمه» زفاف در اخبار و احادیث آمده است.^۱

هر کس می‌تواند با اندکی اندیشه و تأمل، فلسفه آن را نیز درک کند، زیرا:

اولاً، این مراسم با حضور سرشناسان فامیل و دوستان و آشنایان انجام می‌گیرد و به زندگی مشترک جدید زوجین رسمیت می‌بخشد، و آنها را به قبول مسئولیت در برابر آن

۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۴، باب ۴۰ - از ابواب مقدمات النکاح.

و ادار می‌سازد، چرا که اگر در خفا و بدون هیچگونه مراسمی انجام می‌شد، هر دو طرف ممکن بود به آسانی تعهدات خود را زیرپا بگذارند، و با برخورد با اولین مشکلات در زندگی جدید، راه جدایی را در پیش گیرند!

ولی کاری که با آن همه سروصدا و در حضور آن جمع سرشناس و آشنا انجام می‌گیرد چیز ساده‌ای نیست که به آسانی بتوانند از آن چشم‌پوشند، یا به صورت یک مطلب خصوصی و کوچک با آن برخورد کنند؛ بنابراین، مراسم فوق در درجه اول به عقد زناشویی استحکام می‌بخشد، و به آن رسمیت و عینیت می‌دهد.

ثانیاً، وقتی پایه شروع زندگی جدید بر شادمانی و سرور گذارده شود، خاطرۀ خوبی که از آن در ذهن طرفین باقی می‌ماند سبب می‌شود که آن را به‌عنوان یک حادثۀ مسرت‌بخش و سرورآفرین در تمام طول عمر، بدانند، و به طبع بسیاری از مشکلات را به‌خاطر آن تحمل کنند، و با خوشبینی به مسایل مربوط به آینده بنگرند.

ثالثاً، این مراسم، آشنایان و بستگان را نیز دعوت می‌کند که با شرکت در آن، خود را در حل مشکلات خانواده جدید، در حال و آینده شریک و سهیم بدانند، و با توجه به این‌که تشکیل زندگی مشترک به هر حال مشکلاتی دارد سهیم شدن

آنان در حلّ آنها بسیار مفید و با ارزش خواهد بود و فواید مهمّ دیگری که بر این کار مترتب است.

ولی مشکل از زمانی شروع می شود که این مراسم مفید و با ارزش و شادی آفرین، با تجمّل پرستی، و انواع هوا و هوسها، و ولخرجیها و بی بند و باریها و اسراف و تبذیرها، و انواع گناهان آلوده شود، و در اینجا نتیجه به طور کامل معکوس خواهد شد.

شبی غم انگیز، با هزینه های کمر شکن، و خاطره ای تلخ و دردناک خواهد بود.

شبی با انواع آلودگیها و مفسدگی که خداوند بزرگ را به خشم می آورد.

و بالاخره شبی که آثار سوء آن نه تنها در روح دو زوج جوان، بلکه در اطرافیان و بستگان آنها تا سالیان دراز باقی می ماند.

آنچه در این زمینه می گوئیم مطالبی است که از دور شنیده ایم، و به طور قطع آنها که از نزدیک دیده اند به عمق این فجایع آشنا ترند چرا که «شنیدن کی بود مانند دیدن!»

شب زفاف در خانواده های تجمّل پرست نه تنها مصیبتی است برای پدر و مادر و عروس و داماد، بلکه شب بسیار پر زحمتی است برای تمام دعوت شدگان، چرا که شب مسابقه

تجمّل و خودآرایی، و شب به رخ کشیدن لباسهای گران‌قیمت و جواهرات رنگارنگ به یکدیگر است.

بسیاری از زنان آنها، از هفته‌ها و ماهها قبل خود را برای نمایش ثروت در آن شب آماده می‌کنند، و لباسهای تازه و جواهرات نوین سفارش می‌دهند.

بسیاری از بزرگترها چنان خودآرایی می‌کنند که گویی فراموش کرده‌اند عروس، دختر آنها است نه خود آنها!

و از آنجا که در میدان مسابقه، هر کس تلاش می‌کند از رقبا عقب نیفتد باید هر کدام هزینه زیاد و رنج طاقت‌فرسایی را متحمّل شوند، و چه بسا همین مسایل باعث اختلافاتی میان آنها و شوهرانشان می‌شود که چرا در این زمینه ولخرجی لازم را نکرده‌اند، تا از رقیبان عقب نمانند؛ و آبرویشان در میان جمع نرود!

حال فکر کنید اگر در این جلسات زنان و مردان با هم مختلط شوند چه مفاسد و حشمتناکی به بار می‌آید! به‌طور قطع محیطی به‌وجود می‌آید «آماده» و «مهیا» برای انواع گناهان؛ و روشن است که این گناهان اثر شوم خود را نشان خواهد داد و ازدواجی این چنین، قرین سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

چیزی که در این‌گونه مجالس معنا و مفهوم ندارد، یاد خدا

و پاکی و تقوا و خوشبختی دو زوج جدید است. تاریخ نیز اسراف کاریهای جنون آمیزی را از سوی ثروتمندان مرفّه و بی درد، و طاغوت‌های هر زمان، به خاطر دارد، و از آن جمله ریخت و پاشهای بی حساب «عبّاسیان» از «بیت المال مسلمین» در عروسیهای پر خرجشان است. در یکی از این‌گونه مراسم، خلفای عباسی به جای «نقل» یا «سگه‌های کوچک» که بعضی از مردم بر سر عروس می‌پاشند (و به تعبیر عربها «نثار» می‌کنند) ورقه‌های کوچکی را که هر کدام سند مالکیت یک ملک و آبادی شش‌دانگ! بود، بر سر عرویشان پاشیدند و هر کس یکی از آنها را به دست می‌آورد مالک یک آبادی می‌شد (و جالب است که افراد حاضر در آن مجالس، همان درباریان پر پول و ثروتمندان حاشیه‌نشین بودند).

حال ببینیم در مراسم جشن عروسی این خانواده نمونه و بی نظیر چه گذشت.

یک ماه از مراسم عقد بانوی اسلام عَلَيْهَا با علی عَلَيْهِ گذشت. روزی «امّ ایمن» با جمعی از همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به محضرش شرفیاب شدند، «امّ ایمن» مطلب را از جای جالبی که قلب پاک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را به شوق می‌آورد شروع کرد و گفت: اگر خدیجه امروز در حیات بود چشمش به عروسی

«فاطمه» عليها السلام روشن می شد؛

سپس افزود:

علی عليه السلام خواهان همسر خویش است، چشم فاطمه را به

همسرش روشن فرما، و جمع آنها را سامان ده، و چشم ما را

نیز با آن روشن کن...

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بروید و اطاقی را در خانه من برای زفاف آنها فراهم سازید.

«ام ایمن» عرض کرد:

اطاق کدامیک از ما؟

فرمود:

اطاق خودت!

سپس رو به سایرین کرد و فرمود:

بروید و ام سلمه را برای آماده ساختن اطاق یاری کنید.

بعد رو به علی عليه السلام کرد و فرمود:

برو غذای خوبی برای این مراسم آماده کن!

سپس افزود:

گوشت و نان از ما، و خرما و روغن از تو!

علی عليه السلام مقداری خرما و روغن (برای ساختن حلوا،

شیرینی لازم برای این مراسم) تهیه فرمود و خدمت

پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آستین مبارک را بالا زد و خرما را

در روغن مالش داد و حلوا آماده شد.

سپس دستور داد گوسفندی فربه با «نان» فراوان آماده ساختند، بعد به علی علیه السلام فرمود:

اکنون برو و هرکس را میل داری برای جشن عروسی دعوت کن!

علی علیه السلام می گوید:

به مسجد آمدم در حالی که مملو از جمعیت بود، شرمم آمد که گروهی را دعوت کنم و گروهی را دعوت نکنم، روی یک بلندی قرار گرفتم و صدا زدم ای مسلمانان! همه شما را به «ولیمه» و (جشن عروسی) فاطمه علیها السلام دعوت می کنم. مردم مانند سیل رو به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند، شرم سراپای مرا فرا گرفت چرا که جمعیت بسیار زیاد بود و غذا کم!

پیامبر صلی الله علیه و آله از آنچه در قلبم گذشت آگاه شد فرمود: علی! غصه مخور من دعا می کنم خدا به این غذا برکت دهد.

مردم گروه گروه آمدند و «نشستند و خوردند و برخاستند» و برای من دعا کردند و تبریک گفتند، در حالی که عدد آنها بسیار زیاد به نظر می رسید ولی غذا به همه میهمانان رسید!

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ظرفها را آوردند و از غذا پر

کرد و برای خانه همسرانش فرستاد، سپس ظرفی را پر از غذا کرد و گفت این هم برای فاطمه و شوهرش.

آفتاب غروب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به «امّ سلمه» فرمود دخترم فاطمه را بیاور.

امّ سلمه می‌گوید:

رفتم فاطمه علیها السلام را با خود آوردم در حالی که از شدت شرم و حیا در برابر پدر، عرق از صورت مبارکش فرو می‌چکید، ناگهان دستپاچه شد و پایش لغزید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم خدا تو را در دنیا و آخرت از لغزش حفظ کند.

هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد پیامبر صلی الله علیه و آله گوشه چادر را از صورتش کنار زد و علی علیه السلام چهره مبارکش را دید، سپس دست او را گرفت و در دست علی نهاد و فرمود:

دختر رسول خدا فاطمه بر تو مبارک باد!

سپس افزود:

ای علی! فاطمه زن خوبی است.

و بعد رو به فاطمه کرد و فرمود:

دخترم! علی شوهر خوبی است، برخیزید و به منزل بروید و برجای باشید تا من بیایم.

علی علیه السلام دست همسرش زهرا علیها السلام را گرفت و به منزل رفت.

چیزی نگذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، اجازه گرفت و وارد شد. فاطمه علیها السلام را در کنار خود نشانید، و فرمود:

حال برو ظرف آبی برای من بیاور، فاطمه علیها السلام ظرف آبی آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله کمی از آب دهان مبارک خود را با آن آب آمیخت، سپس مقداری از آن آب بر سر فاطمه علیها السلام ریخت، بعد فرمود رو به من کن، مقداری از آن را نیز در سینه او ریخت، باز فرمود:

روی برگردان، مقداری از آب را هم میان دو شانه او ریخت، سپس این جمله پرمعنا را به پیشگاه خداوند عرضه داشت: خداوند! این دخترم فاطمه و محبوبترین خلق نزد من است. و این برادرم علی و محبوبترین خلق نزد من است. خدا یا! او را ولی خود قرار ده و همسرش را بر او مبارک کن! سپس به علی علیه السلام تبریک گفت و خارج شد.^۱

یک بار دیگر این حدیث را مرور کنیم، و در بندبند آن و پیامهای صریح و کنایی آن بیندیشیم، و صفا و سادگی و نورانیته که بر جزء جزء این مراسم زیبا و باشکوه و روحانی حکمفرما بوده، در نظر مجسم کنیم:

— میهمانان، تمام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر در مسجد بودند، یعنی چهار هزار نفر!

- طرز دعوت به آن سادگی از طریق یک پیام شفاهی و عمومی توسط خود داماد.
- پذیرش دعوت از سوی همه و شرکت عمومی در این مجلس جشن با شکوه.
- غذا، منحصر به نان و گوشت و مقداری حلوی خرما به عنوان شیرینی.
- تهیه شیرینی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت.
- تقسیم هزینه میان پدر عروس و داماد.
- برکت عجیب غذا به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و غذا خوردن بی تکلف اصحاب و تبریک گفتن و رفتن.
- فرستادن باقیمانده غذا به خانه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.
- و آخرین مرحله کنار گذاشتن غذای عروس و داماد از همان باقیمانده غذا.
- حیا و حجب فوق العاده عروس.
- سفارش کردن عروس و داماد را به یکدیگر، و تبریک گفتن صمیمانه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو عزیز.
- اعلام پایان مراسم جشن عروسی از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله.
- چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی!

هرگز انتظار نداریم مردم عیناً چنین کنند، ولی این انتظار هست که از آن هزینه‌های کمرشکن و اسراف کاریهای جنون‌آمیز و آلوده شدن به انواع گناهان و بی‌عفتی‌ها پرهیزند.

سرود شادی!

در آن شب تاریخی زنان پیامبر ﷺ و بسیاری از زنان مهاجر و انصار نیز شرکت داشتند، و در مجلس خودشان سرود شادی می‌خواندند که تاریخ سرود چهار نفر را ضبط کرده است:

«امّ سلمه»، «معاذه» (مادر سعد بن معاذ) و «عایشه» (دختر ابوبکر) و «حفصه» (دختر عمر) و ما در اینجا تنها به نقل سرود «حفصه» قناعت می‌کنیم که از زبان او سخن شنیدن در اینجا بهتر است:

فَاطِمَةُ خَيْرٌ نِسَاءِ الْبَشَرِ وَ مَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ
 فَضْلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِأَيِّ الزُّمَرِ
 زَوْجَكَ اللَّهُ فَتَى فَاضِلاًّ أَعْنَى عَلِيّاً خَيْرٌ مَنْ فِي الْحَضَرِ
 فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا إِنَّهَا كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ ۱

فاطمه بهترین زنان بشر است و صورتی همچون ماه دارد.

خدا تو را بر تمام خلق برتری داده، به فضیلتی مخصوص [داشته] که در آیات سوره زمر بیان کرده است.

خداوند تو را به همسری جوانی با فضیلت درآورد، یعنی علی بهترین مردان جهان.

همسایگان! او را به خانه شوهرش برید که او بزرگواری است دختر مردی گرانمایه.

تمام سرودها - که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد - پرمحتوا، آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنا ساخته بودند.

بزم شادی کزّوبیان، و نثار عروس!

اینها همه یک سوی قضیه و در عالم پایین بود، ولی از روایات اسلامی استفاده می شود که در محفل کزّوبیان و عالم بالا نیز جشنی بسیار گسترده تر و باشکوه تر برپا بود:

مأموران بهشتی به فرمان خدا بهشت را به زیباترین صورتی آراستند.

نسیم عطرآگین بهشتی دستور داشت انواع بوی عطر را در فضای بهشت بیفشاند، و آن را خوشبوتر از همیشه کند.

حوریان بهشتی سوره های قرآن زمزمه می کردند...

وگوینده‌ای از زیر عرش الهی صدا زد همه آگاه باشید که
امروز روز جشن عروسی علی (وزهرا) است.

سپس خداوند ابر سفیدی را به آسمان فرستاد تا بر آنها
دانه‌های لؤلؤ و زبرجد و یاقوت ببارد!

و فرشتگان مأموریت داشتند دسته‌های گل بهشتی نثار
کنند که جبرئیل امین (آن گونه که قبلاً گفتیم) یک دسته از

این گلها را همراه با تبریک خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
آورد.^۱

آری! محفلی آنچنان پاک و با صفا و روحانی در روی
زمین ممکن نیست که جدا از محفل بهشتیان و ملائکه مقربین
باشد، چرا که عالم هستی یک واحد به هم پیوسته و هماهنگ
است.

بیایید کاری کنید که محفل جشن عروسی فرزندان شما نیز
الگویی از آن گیرد، و ساکنان عالم بالا با آن هم صدا شوند.

پایان